

بررسی پیوند ناهمسان‌همسری فرهنگی با میزان اختلافات زناشویی

دکتر خدیجه سفیری*

استاد دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا

معصومه محرمی

کارشناس ارشد مطالعات زنان

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی پیوند ناهمسان‌همسری فرهنگی و اختلافات زناشویی در میان زنان شاغل و خانه‌دار، به روش پیمایشی و با استفاده از نظریه‌ی همسان‌همسری انجام گرفته‌است. داده‌های پژوهش از میان ۲۸۴ زن همسردار و با بهره‌گیری از پرسش‌نامه گردآوری شده و برای تحلیل داده‌ها، آزمون تحلیل واریانس دوطرفه به کار رفته‌است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان میزان اختلاف زناشویی و ناهمسانی فرهنگی در تفاوت باورهای مذهبی همسران و سنتی بودن خانواده، پیوندی معنادار وجود دارد؛ همچنین، میان تفاوت در باورهای مذهبی همسران و میزان اختلاف زناشویی، در میان دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار، نیز تفاوتی معنادار وجود دارد؛ به گونه‌ی که این متغیر در ایجاد اختلاف زناشویی در میان آزمودنی‌های شاغل، بیش از خانه‌دار است. میان سنتی بودن خانواده در حوزه‌ی انتخاب همسر و میزان اختلاف زناشویی در میان دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار هم تفاوتی معنادار وجود دارد و آزمودنی‌های خانه‌دار دارای خانواده‌ی سنتی، اختلاف زناشویی بیش‌تری، نسبت به زنان شاغل، داشته‌اند. درباره‌ی فرضیه‌های زمینه‌ی، میان میزان اختلاف زناشویی و متغیرهای سن ازدواج، مدت زناشویی، و اختلاف سنی با همسر، میان دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار، تفاوتی معنادار دیده‌نمی‌شود.

واژگان کلیدی

اختلافات زناشویی؛ زنان شاغل؛ زنان خانه‌دار؛ عوامل فرهنگی؛ ناهمسان‌همسری؛

سلامت و پویایی خانواده، به عنوان هسته‌ی بنیادی و سازنده‌ی جامعه، ریشه در سلامت و شادابی همسران دارد؛ پس ازدواج و زندگی زناشویی، به عنوان هسته‌ی اصلی و پایه‌گذار خانواده، بسیار مورد توجه است. ازدواج، نهادی اجتماعی است که دو فرد کاملاً متفاوت از نظر اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی را برای تشکیل یک خانواده به هم پیوند می‌دهد و به همین دلیل، نسبت به دیگر نهادها، با اختلافات بیش‌تری در درون خود روبه‌رو است. تعارض و اختلافات زناشویی پدیده‌ی است که از آغاز تاریخ بشریت وجود داشته و به عنوان یک عامل خطر برای سلامتی ازدواج تعریف شده‌است (ویتسون و ال-شیخ^۱ ۲۰۰۳).

میزان بالای طلاق در ایران و افزایش درصد زنانی که خواستار طلاق اند، نشان‌گر افزایش اختلافات زناشویی است. در سال ۱۳۷۵، ۳۷'۸۱۷ مورد طلاق در کشور به ثبت رسیده، که این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۹۴'۰۳۹ مورد افزایش یافته‌است؛ یعنی طی ۱۰ سال، شمار طلاق حدوداً سه‌برابر شده‌است. در سال ۱۳۸۶ نیز، ۹۹'۸۵۲ مورد طلاق در کشور به ثبت رسیده، که نشان‌گر افزایش آمار طلاق در این سال است (سازمان ثبت احوال کشور بی‌تا). آمارها نشان می‌دهد از هر ۱۰۰ ازدواج، ۲۵ مورد آن به طلاق می‌انجامد و این در حالی است که بیش از ۳۰ درصد طلاق‌ها در سال اول، و بیش از ۵۰ درصد آن‌ها در پنج سال اول ازدواج رخ می‌دهد (سازمان ثبت احوال کشور ۱۳۸۸). در استان آذربایجان شرقی نیز در سال ۱۳۸۱، ۲'۸۷۹ مورد، و در سال ۱۳۸۵، ۳'۹۴۴ مورد طلاق ثبت شده‌است؛ یعنی در طی ۵ سال، افزایشی قابل‌ملاحظه در میزان طلاق دیده‌می‌شود (سازمان ثبت احوال کشور بی‌تا). افزایش آمار طلاق نشان می‌دهد که روابط میان همسران، در طول سال‌های زندگی، دست‌خوش دگرگونی‌هایی شده‌است که به افزایش اختلاف میان همسران و در نهایت طلاق می‌انجامد. موفق یا ناموفق بودن ازدواج، دست‌آورد عواملی بسیار، از جمله عوامل اجتماعی و فرهنگی است. چه بسیار همسرانی که به علت ناهماهنگی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، مانند دین و مذهب، آداب و رسوم، سنت‌ها، و مانند آن، وضعی نابه‌سامان در زندگی پیدا کرده‌اند و این تفاوت‌ها موجب اختلاف میان آن‌ها شده‌است (حسینی بیرجندی ۱۳۷۵).

دگرگونی‌های اخیر نهاد خانواده بر وجود ناسازگاری‌ها و اختلافات خانوادگی بی‌تأثیر نیست. این دگرگونی‌ها و به دنبال آن تغییر نقش‌ها و وظایف اعضای خانواده، در طی زمان، خودبه‌خود باعث پیدایش شرایطی نوین در روابط میان اعضای خانواده می‌شود که متفاوت از ساختار پیشین آن است. گسترش اشتغال زنان، مشارکت بیش‌تر زنان در امور اجتماعی، گسترش خانواده‌ی هسته‌یی، کاهش نقش پدر و مادر در انتخاب همسر، و مسائلی مانند آن، از جمله دگرگونی‌های کنونی نهاد خانواده به شمار می‌آید (مه‌دوی ۱۳۷۷).

¹ Whitson, Stephanie, and Mona El-Sheikh



افزایش بی‌سابقه‌ی ورود زنان به بازار کار در دهه‌های اخیر، استقلال اقتصادی آن‌ها را به ارمغان آورده و چشم‌انداز طلاق را برای زنانی که از وضعیت زناشویی خود رضایت ندارند، نویدبخش ساخته‌است؛ به همین دلیل، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که درخواست طلاق از سوی زنان شاغل، بسیار بیش‌تر از درخواست طلاق از سوی زنان غیرشاغل است (سگالن^۱ ۱۳۸۰). کومی^۲ (۱۹۷۵) بر این باور است که میان میزان طلاق و فعالیت شغلی زن هم‌بستگی وجود دارد:

«نسبت طلاق در میان زنان شاغل و حرفه‌یی، تقریباً دوبرابر این نسبت در میان جمعیت زنان، به طور کلی، وضع می‌شود و با توجه به گروه‌بندی‌های اجتماعی و شغلی شوهرها، هر چه که باشد، معلوم می‌شود که نرخ طلاق برای زوج‌هایی که زن نیز شاغل است، به‌مراتب، از آن‌هایی که زن دارای شغل نیست فراتر می‌رود.» (برگرفته از سگالن ۱۳۸۰:۱۸۱)

پس اختلاف زناشویی و به دنبال آن طلاق، در میان دو گروه زنان شاغل و غیرشاغل متفاوت است.

پدیده‌ی اختلافات زناشویی دارای عوارض و پی‌آمدهایی است که از دیرباز آن را به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی مطرح ساخته‌است. وجود اختلاف در خانواده، و نتایجی که گریبان‌گیر خود همسران، فرزندان آن‌ها، و جامعه‌ی بزرگ‌تر خواهدشد، بزه‌کاری نوجوانان، دزدی‌های مسلحانه به وسیله‌ی آن‌ها، رها کردن تحصیل، اعتیاد، و بسیاری دیگر از آسیب‌های فردی و اجتماعی را در پی خواهدداشت.

مشکلات روحی و جسمی در افراد را می‌توان از عوارض فردی اختلافات زناشویی دانست. مطالعات نشان می‌دهد افرادی که با داشتن اختلافات بسیار زیاد طلاق می‌گیرند، بیش از کسانی که ازدواج کرده‌اند، کسانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، و حتا افراد بیوه، دچار فقر سلامت جسمی و روانی خواهندشد؛ به عبارت دیگر، افزایش نبود هم‌آهنگی. میان اعضای خانواده، افراد را افسرده‌تر می‌کند (پروچنو، بورانت، و پیتز^۳ ۱۹۹۴)؛ بنا بر این، بالا رفتن آمار طلاق، توجه به اهمیت سلامت خانواده، و پی‌آمدهای اختلافات زناشویی و تأثیرات سوء آن بر جامعه، سؤال از علت اصلی این اختلافات را در پی دارد. در این پژوهش، عوامل فرهنگی مورد توجه قرار گرفته‌است، اما به دلیل گستردگی آن، تنها دو عامل ناهم‌سانی در باورهای مذهبی و سنتی بودن خانواده بررسی خواهدشد.

¹ Segalen, Martine

² Commaille, Jacques

³ Pruchno, Rachel, Christopher Burant, and Norah D. Peters.

پیشینه‌ی پژوهش

عواملی بسیار موجب اختلاف میان همسران است. کوهن و سوایا^۱ (۲۰۰۳) با بررسی علل طلاق در یک نمونه‌ی ۳۱۲ نفری اعراب مسلمان، نشان دادند که ترکیبی از عوامل سنتی و مدرن برای طلاق در یک جامعه‌ی درحال‌گذر، مثل جامعه‌ی عرب در اسرائیل، وجود دارد. از جنبه‌ی مدرن، بیش از دوسوم مردان و زنان نمونه‌ی پژوهش آن‌ها، مسائل ارتباطی و ناسازگاری رفتاری میان همسران را دلیل عمده‌ی طلاق می‌دانند، و از لحاظ سنتی نیز، بخشی عمده از پاسخ‌گویان، خشونت بدنی و دخالت خویشاوندان در زندگی همسران (دلیلی که، بیش‌تر، در جوامع سنتی عمومیت دارد) را نام می‌برند.

لمبرت و دولاهیت^۲ (۲۰۰۶)، عامل دین‌داری و داشتن باورهای مذهبی را در حل و یا چیرگی بر اختلافات زناشویی بااهمیت دانسته‌اند. آن‌ها معتقد اند که داشتن باورهای مذهبی، در جلوگیری از ایجاد اختلاف، حل اختلافات پدیدآمده، و بهبود رابطه‌ی میان همسران مؤثر است. سولیوان^۳ (۲۰۰۱) نیز نشان داده‌است افرادی که از لحاظ مذهبی در سطحی بالاتر قرار دارند، نسبت به افراد دارای سطح مذهبی پایین، ثبات زناشویی بیش‌تر و اختلاف کم‌تر دارند و از ازدواج خود راضی‌تر اند.

میزان سن در ازدواج نیز می‌تواند عامل پایداری و یا ناپایداری ازدواج شود. بوث و دواردرز^۴ (۱۹۸۵) دریافته‌اند که میزان بالایی از ناپایداری در ازدواج، در میان همسرانی است که زود ازدواج می‌کنند. ازدواج در سن بالا نیز پی‌آمدهایی مشابه به دنبال خواهدداشت.

نتایج پژوهش درباره‌ی تأثیر سازگاری همسران در دوره‌ی نامزدی بر سازگاری در ازدواج نشان داد که می‌توان موفقیت یا شکست در ازدواج را از روی عوامل شخصیتی و پیشینه‌ی افراد پیش‌بینی کرد؛ یعنی اگر همسران، در دوره‌ی نامزدی با اختلافات بسیار روبه‌رو شوند، احتمال ادامه‌ی زندگی مشترک آن‌ها در آینده کم خواهدبود (برگس و والین^۵ ۱۹۵۳).

فوکما و لایف‌بروئر^۶ (۲۰۰۴)، با پژوهشی که در باره‌ی پیوند اشتغال و طلاق و نیز چه‌گونگی تأثیر اشتغال بر طلاق انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که هم سطح تحصیلات بالاتر زنان و هم مشارکت آن‌ها در نیروی کار، به گونه‌ی معنادار، احتمال طلاق زنان را افزایش می‌دهد. پژوهشی دیگر درباره‌ی علل ناسازگاری همسران نشان داد که میان اختلاف تحصیلی همسران و نبود تفاهم اخلاقی و افزایش ناسازگاری میان آن‌ها رابطه وجود دارد، ولی میان اشتغال زن و استقلال مالی وی و افزایش ناسازگاری رابطه‌ی نیست (نادری ۱۳۸۴).

¹ Cohen, Orna, and Rivka Savaya

² Lambert, Nathaniel M., and David C. Dollahite

³ Sullivan, Kieran T.

⁴ Booth, Alan, and John N. Edwards

⁵ Burgess, Ernest W., and Paul Wallin

⁶ Fokkema, Tineke, and Aart C. Liefbroer



فتاحی (۱۳۸۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که میان میزان درآمد خانواده، اختلاف سنی زن و شوهر، و بگومگوهای زناشویی پیوندی معنادار وجود دارد، ولی اختلاف سطح تحصیلات زن و شوهر تأثیری بر میزان بگومگوهای زناشویی ندارد. زرگر و نشاط‌دوست (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود دریافتند که از نظر همسران، مهم‌ترین علل درخواست طلاق را مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت خانواده‌ی همسران، بیماری روانی، مشکلات اقتصادی، ازدواج تحمیلی، تفاوت فرهنگی، و مانند آن تشکیل می‌دهد.

پژوهشی که به وسیله‌ی *خدایاری* و هم‌کاران، برای بررسی پیوند نگرش مذهبی و خوشنودی زناشویی انجام شد نشان داد که میان نگرش مذهبی و خوشنودی زناشویی پیوندی مثبت و معنادار وجود دارد و باورهای مذهبی، هم در پیدایش و هم در حل اختلافات زناشویی، عاملی مهم به شمار می‌آیند (خدایاری فرد، شهابی، و اکبری زردخانه ۱۳۸۶). سامانی (۱۳۸۶) در پژوهش خود درباره‌ی عوامل پدیدآورنده‌ی درگیری‌های زناشویی دریافت که شش عامل خصوصیات شخصیتی، عشق و علاقه، مهارت‌های ارتباطی، تعهد به زندگی، خصوصیات خانوادگی همسر، و پای‌بند نبودن به اصول اخلاقی، از عمده‌ترین عوامل ایجاد درگیری‌ها و اختلاف میان همسران است. پژوهش پیش رو نیز بر آن است که به بررسی تأثیر عواملی چون سنتی بودن خانواده و ناهم‌سانی باورهای مذهبی بر اختلافات همسران بپردازد.

هدف پژوهش

وجود ناسازگاری‌ها و اختلافات خانوادگی، که بی‌ارتباط با دگرگونی‌های اخیر نهاد خانواده نیست، بررسی‌های جامعه‌شناختی خانواده را ضروری می‌سازد و کنترل میزان اختلافات خانوادگی و طلاق، بی‌تردید، در ثبات و استواری نهاد خانواده، که کانون اصلی اجتماعات انگاشته می‌شود، بی‌تأثیر نخواهد بود. هدف اصلی این پژوهش، بررسی برخی از عوامل فرهنگی مؤثر (ناهم‌سانی مذهبی و سنتی بودن خانواده) بر میزان اختلافات زناشویی در میان زنان شاغل و خانه‌دار است؛ به عبارت دیگر، پژوهش در پی آن است که تأثیر این عوامل و متغیرهای زمینه‌ی را بر اختلافات زناشویی بسنجد و به بررسی تفاوت آن در میان این دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار بپردازد.

چهارچوب نظری

نظریه‌ی مورد استفاده در این پژوهش، نظریه‌ی هم‌سان‌همسری است، که یکی از مهم‌ترین نظریه‌های جامعه‌شناسی خانواده به شمار می‌آید:

«هم‌سان‌همسری عبارت است از توافقی همه‌جانبه، بر اساس ارزش‌های فرهنگی و الگوی هنجار اجتماعی افراد معین.» (مهدوی ۱۳۷۷: ۳۹).

همه‌ی صاحب‌نظران بر اصل هم‌سان‌همسری، به عنوان معیار عام‌گزینش همسر در جوامع گوناگون، توافق دارند. بر پایه‌ی این اصل، افرادی که در پی ازدواج برمی‌آیند، معمولاً کسی را برای همسری برمی‌گزینند که از بیش‌ترین سطح هم‌سانی و همانندی با آنان برخوردار باشد؛ از سوی دیگر، هرچه وجود اختلاف و تمایز آشکارتر باشد، گرایش افراد به ازدواج کاهش می‌یابد (گود^۱ ۱۹۶۴، برگرفته از بستان نجفی ۱۳۸۲).

«[به گفته‌ی هیل^۲]، [افراد مایل اند همسری برگزینند که بیش‌تر هم‌سان‌شان باشد تا ناهم‌سان‌شان]، [۰۰۰] باورمن^۳ می‌گوید: «انسان، دانسته یا ندانسته، در پی گزینش همسری است که صفاتی هم‌گون با او داشته‌باشد، و آن‌گاه چنین نتیجه می‌گیرد که: [افراد، در تمامی سنین، در میدانی فراخ‌تر از آن که تصادف بتواند بر آن کارگر شود، با کسانی وصلت می‌کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشند، به گمان برگس و لاک^۴، [در هر لحظه، بخت هر فرد، بیش‌تر، در راستای ازدواجی هم‌سان‌گزینانه عمل می‌کند تا ناهم‌سان‌گزین]» (ساروخانی ۱۳۸۴: ۴۰).

بر این اساس، تقریباً همه‌ی نظام‌های همسرگزینی، به ازدواج هم‌سان گرایش دارند و، بیش‌تر، اشخاص هم‌سان با یک‌دیگر ازدواج می‌کنند. در این رابطه، سنت مهم‌ترین عاملی است که انسان را به سوی انتخاب هم‌گون خود روانه می‌کند و عاملی در جهت استحکام ازدواج‌های کمابیش هم‌سان به شمار می‌آید؛ بنا بر این، کسانی که رشته‌های پیوند درونی گروه‌ها را از میان می‌برند، در واقع کسانی اند که از آداب و رسوم و سنت بریده‌اند. (ساعی ارسی ۱۳۸۲). باید توجه کرد که هم‌سان‌همسری در جامعه‌ی صنعتی جدید نیز، همانند یک هنجار، امر ازدواج را در اختیار خود دارد و بیش‌تر پژوهش‌ها گواه این حقیقت اند. پذیرفتنی است که افراد، به دنبال کسانی می‌گردند که همانند خودشان باشند و هر اندازه درجه‌ی هم‌گونی همسران بیش‌تر باشد، زناشویی آنان استوارتر و پایدارتر است (ساروخانی ۱۳۸۴).

¹ Goode, William

² Hill, Reuben

³ Bowerman, Charles E.

⁴ Burgess, Ernest W., and Harvey J. Locke



به گفته‌ی برگس و والین (۱۹۵۳)، پنج عامل هم‌جواری، تصور از همسر دل‌خواه، تصویری از والدین و زناشویی، هم‌سان‌همسری یا گرایش به گزینش کسی که هم‌گون ما باشد، و نیازهای شخصیت، در یک ازدواج هم‌سان‌گزیده دخالت می‌کند. عامل جغرافیایی، ویژگی‌های جسمانی، ویژگی‌های اجتماعی تحصیلی، امور ذهنی و معنوی، و ویژگی‌های خلقی نیز از عوامل مؤثر برهم‌سان‌همسری به شمار می‌آید.

با توجه به آنچه گفته‌شد، هم‌سانی میان دو فرد، نه‌تنها آن‌ها را به سوی یک‌دیگر می‌کشاند، بلکه پیوند آن‌ها را محکم‌تر و استوارتر می‌کند. ناهم‌سانی میان دو همسر، عاملی مهم در ایجاد اختلافات و کشمکش‌های خانوادگی است و هر قدر هم‌سانی میان همسران در زمینه‌های مختلف کم‌تر باشد، اختلافات آن‌ها بیش‌تر است و هر قدر پیوند میان زن و شوهر محکم‌تر باشد، خطر جدایی آن‌ها، به‌مراتب، کم‌تر خواهد شد.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱ میان ناهم‌سانی در باورهای مذهبی همسران و میزان اختلاف زناشویی در میان دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار، تفاوتی معنادار وجود دارد.
- ۲ میان سستی بودن خانواده و میزان اختلاف زناشویی در میان دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار، تفاوتی معنادار وجود دارد.
- ۳ میان عوامل زمینه‌یی (سن ازدواج، مدت زناشویی، و تفاوت سنی با همسر) و میزان اختلاف زناشویی در میان دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار، تفاوتی معنادار وجود دارد.

روش پژوهش

در این پژوهش، که به روش پیمایشی صورت گرفته، برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده‌است. جامعه‌ی آماری پژوهش را زنان همسر دار (شاغل و خانه‌دار) شهر تبریز تشکیل می‌دهند، که در هنگام گردآوری داده‌ها شوهران‌شان زنده‌اند و با هم زندگی می‌کنند. نمونه‌ی پژوهش نیز ۲۸۴ نفر (۱۴۲ نفر شاغل و ۱۴۲ نفر خانه‌دار) از این زنان اند.

برای به دست آوردن نمونه‌ی زنان شاغل، ابتدا از مرکز بهداشت شهرستان تبریز، آمار زنان شاغل و همسر دار مراکز بهداشت شهر تبریز به دست آمد (۲۲۵ نفر)، و پس از نمونه‌گیری ساده‌ی تصادفی از مراکز، با استفاده از دستور کوکران، ۱۴۲ نفر زن شاغل انتخاب شد. برای به دست آوردن نمونه‌ی زنان خانه‌دار نیز، ابتدا شهر به خوشه‌هایی

(مناطق) تقسیم شد، و پس از نمونه‌گیری تصادفی از خوشه‌ها، به تعداد زنان شاغل و به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای، زنان خانه‌دار از سطح شهر انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش

همان گونه که در جدول ۱ دیده می‌شود، میانگین میزان اختلاف زناشویی در میان زنان خانه‌دار برابر با ۲۴/۲۸ است، و این در حالی است که همین میانگین در زنان شاغل برابر با ۲۵/۳۴ است؛ بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که میزان اختلاف زناشویی مربوط به متغیر اختلاف اعتقادی، در میان زنان شاغل بیش‌تر از زنان خانه‌دار باشد؛ هم‌چنین، در میان زنان خانه‌دار، میانگین اختلاف زناشویی در میان همسران دارای اختلاف اعتقادی زیاد با همسر خود، برابر با ۲۴/۴۵ است و در میان همسران دارای اختلاف اعتقادی کم، برابر ۲۴/۱۱ است. در بین زنان شاغل نیز، میانگین اختلاف زناشویی در میان همسران دارای اختلاف اعتقادی زیاد، برابر با ۲۸/۴۴ و در میان همسران دارای اختلاف اعتقادی کم، برابر با ۲۳/۲۵ است؛ بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که اختلاف زناشویی در میان زنان شاغل دارای اختلاف اعتقادات مذهبی زیاد با همسر خود، بیش‌تر از زنان خانه‌دار است.

جدول ۱- آماره‌های توصیفی مربوط به نمره‌های اختلاف زناشویی و تفاوت در اعتقادات مذهبی

گروه	تفاوت در اعتقادات مذهبی		تعداد	اختلاف زناشویی	
	زیاد	کم		میانگین	انحراف معیار
خانه‌دار	زیاد	کم	۲۲	۲۴/۴۵	۷/۰۲۹
	کل		۱۴۲	۲۴/۲۸	۷/۷۲۰
	شاغل	زیاد	کم	۱۶	۲۸/۴۴
کل	کل		۱۴۲	۲۳/۲۵	۶/۷۷۳
	زیاد	کم	۳۸	۲۶/۱۳	۷/۰۶۰
	کل		۲۸۴	۲۴/۴۰	۶/۹۳۷

میانگین کل به‌دست‌آمده برای اختلاف زناشویی مربوط به اختلاف اعتقادات مذهبی زیاد برابر با ۲۶/۱۳ است، و این در حالی است که همین میانگین درباره‌ی اختلاف اعتقادی کم ۲۳/۶۷ به دست آمده‌است؛ بنا بر این، با مقایسه‌ی میانگین‌ها، میان زنانی که اختلاف اعتقادات مذهبی زیادی با شوهر خود دارند، اختلاف زناشویی بیش‌تری، نسبت به زنانی که اختلاف اعتقادات کمی با شوهران خود دارند، دیده می‌شود.



با توجه به جدول ۲، میانگین اختلاف زناشویی در میان زنان خانه‌دار برابر با ۲۳/۸۹ و در میان زنان شاغل برابر با ۲۳/۸۴ است؛ بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که از نظر متغیر سنتی بودن خانواده، میزان اختلاف زناشویی در میان زنان خانه‌دار، بیشتر از زنان شاغل است، ولی تفاوت این میانگین‌ها قابل‌توجه نیست.

در میان زنان خانه‌دار، میانگین اختلاف زناشویی در همسران دارای خانواده‌ی سنتی برابر ۲۴/۹۸ و در همسران دارای خانواده‌ی غیرسنتی برابر با ۲۲/۸۰ است. در میان زنان شاغل، میانگین اختلاف زناشویی، با داشتن خانواده‌ی سنتی، برابر با ۲۳/۷۵، و با داشتن خانواده‌ی غیرسنتی، برابر با ۲۳/۹۰ است؛ بنا بر این، به نظر می‌رسد که اختلاف زناشویی در زنان خانه‌دار دارای خانواده‌ی سنتی بیشتر از زنان شاغل باشد.

میانگین کل به‌دست‌آمده برای اختلاف زناشویی، با داشتن خانواده‌ی سنتی، برابر با ۲۴/۳۶، و با داشتن خانواده‌ی غیرسنتی، برابر با ۲۳/۳۳ است؛ بنا بر این، اختلاف زناشویی در میان زنان دارای خانواده‌ی سنتی، نسبت به زنانی که دارای خانواده‌ی سنتی نیستند، بیشتر است.

جدول ۲- آماره‌های توصیفی مربوط به نمره‌های اختلاف زناشویی و سنتی بودن خانواده

گروه	سنتی بودن خانواده	تعداد	اختلاف زناشویی	
			میانگین	انحراف معیار
خانه‌دار	سنتی	۸۱	۲۴/۹۸	۷/۹۶۲
	غیرسنتی	۱۲۰۶۱	۲۲/۸۰	۷/۳۸۱
	کل	۱۴۲	۲۳/۸۹	۷/۵۶۸
شاغل	سنتی	۹۶	۲۳/۷۵	۶/۰۵۸
	غیرسنتی	۴۶	۲۳/۹۰	۶/۱۷۱
	کل	۱۴۲	۲۳/۸۴	۶/۱۸۸
کل	سنتی	۱۷۷	۲۴/۳۶	۶/۹۸۳
	غیرسنتی	۱۰۷	۲۳/۳۲	۶/۸۵۶
	کل	۲۸۴	۲۳/۸۶	۶/۳۹۸

با توجه به این که سنتی بودن خانواده دارای دو بعد است، شناسه‌های آماری مربوط به هر دو بعد، اعم از اجبار به ازدواج و محدودیت در دوره‌ی نامزدی، نیز محاسبه شده‌است.

با توجه به جدول ۳، به طور کلی، میانگین سنتی بودن خانواده در بعد اجبار به ازدواج در میان زنان خانه‌دار برابر با ۲۳/۳۸ است، و این در حالی است که همین میانگین در میان زنان شاغل ۲۲/۹۰ به دست آمده‌است؛ بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که اجبار به ازدواج در میان زنان خانه‌دار بیشتر از زنان شاغل است. همین وضعیت درباره‌ی محدودیت

در دوره‌ی نامزدی نیز دیده‌می‌شود؛ به گونه‌یی که میانگین به‌دست‌آمده برای زنان خانه‌دار ۲۴/۷۶ و برای زنان شاغل ۲۳/۸۵ است و محدودیت دوره‌ی نامزدی نیز در میان زنان خانه‌دار بیشتر از زنان شاغل به چشم می‌خورد.

جدول ۳- آماره‌های توصیفی مربوط به نمره‌های اختلاف زناشویی و خرده‌مقیاس‌های سستی بودن خانواده

گروه	سستی بودن خانواده	اجبار به ازدواج		محدودیت در دوره‌ی نامزدی	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
خانه‌دار	سستی	۲۴/۸۷	۷/۲۳۵	۲۵/۰۱	۸/۱۹۶
	غیرسستی	۲۱/۸۹	۶/۹۲۱	۲۴/۵۲	۶/۳۳۲
	کل	۲۳/۳۸	۷/۵۶۸	۲۴/۷۶	۷/۷۲۱
شاغل	سستی	۲۲/۴۵	۶/۴۹۶	۲۴/۰۲	۷/۶۶۷
	غیرسستی	۲۳/۳۶	۸/۶۹۱	۲۳/۶۸	۶/۲۹۶
	کل	۲۲/۹۰	۷/۰۶۱	۲۳/۸۵	۶/۳۰۱
کل	سستی	۲۳/۹۷	۶/۱۹۷	۲۵/۰۱	۸/۴۲۱
	غیرسستی	۲۲/۶۲	۶/۸۶۲	۲۴/۱۰	۶/۵۴۵
	کل	۲۳/۲۹	۷/۰۲۲	۲۴/۵۵	۶/۷۲۹

هم‌چنان که در جدول ۴ دیده‌می‌شود، میانگین اختلاف زناشویی در میان زنان خانه‌دار برابر با ۲۴/۴۲ و در میان زنان شاغل برابر با ۲۴/۲۳ است؛ بنا بر این، به نظر می‌رسد که در مورد این متغیر، اختلاف زناشویی در میان زنان خانه‌دار بیشتر از زنان شاغل است، ولی این تفاوت میانگین‌ها قابل‌توجه نیست.

جدول ۴- آماره‌های توصیفی مربوط به نمره‌های اختلاف زناشویی و سن ازدواج

گروه	سن ازدواج	تعداد	اختلاف زناشویی	
			میانگین	انحراف معیار
خانه‌دار	۱۴ تا ۲۰ سال	۹۰	۲۴/۵۳	۷/۴۰۸
	۲۱ تا ۲۷ سال	۴۹	۲۳/۴۱	۸/۴۸۳
	۲۸ سال و بیشتر	۳	۲۵/۳۳	۳/۲۱۵
کل		۱۴۲	۲۴/۴۲	۸/۰۵۵
شاغل	۱۴ تا ۲۰ سال	۱۷	۲۵/۴۱	۵/۶۲۸
	۲۱ تا ۲۷ سال	۱۰۳	۲۳/۶۱	۶/۵۱۳
	۲۸ سال و بیشتر	۲۲	۲۳/۶۸	۶/۳۶۵
کل		۱۴۲	۲۴/۲۳	۶/۸۵۶
کل	۱۴ تا ۲۰ سال	۱۰۷	۲۴/۹۷	۷/۴۸۲
	۲۱ تا ۲۷ سال	۱۵۲	۲۳/۵۱	۶/۶۵۴
	۲۸ سال و بیشتر	۲۵	۲۴/۵۰	۶/۱۸۷
کل		۲۸۴	۲۴/۳۲	۷/۶۲۵



میانگین اختلاف زناشویی در میان زنان خانه‌داری که در سن ۱۴ تا ۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند ۲۴/۵۳، زانی که در سن ۲۱ تا ۲۷ سالگی ازدواج کرده‌اند ۲۳/۴۱، و زانی که در سن ۲۸ سالگی به بالا ازدواج کرده‌اند ۲۵/۳۳ است؛ در حالی که این میانگین در بین زنان شاغلی که در سن ۱۴ تا ۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند ۲۵/۴۱، زانی که در سن ۲۱ تا ۲۷ سالگی ازدواج کرده‌اند ۲۳/۶۱، و زانی که در سن ۲۸ سالگی به بالا ازدواج کرده‌اند ۲۳/۶۸ است؛ بنا بر این، با توجه به مقایسه‌ی میانگین‌های گفته‌شده، مشخص می‌شود که اختلاف زناشویی در میان زنان خانه‌داری که در سن ۲۸ سالگی به بالا ازدواج کرده‌اند بیشتر است و در میان زنان شاغل نیز، افرادی که در سن ۱۴ تا ۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند، اختلاف زناشویی بیشتری دارند.

میانگین کل به‌دست‌آمده برای اختلاف زناشویی، از نظر متغیر سن ازدواج، نشان می‌دهد که به طور کلی، آزمودنی‌هایی که در سن ۱۴ تا ۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند، نسبت به دیگر دسته‌بندی‌ها، اختلاف زناشویی بیشتری داشته‌اند، ولی با توجه به مقایسه‌ی میانگین‌ها، این تفاوت قابل‌توجه نیست.

با توجه به جدول ۵، میانگین اختلاف زناشویی در میان زنان خانه‌دار برابر ۲۴/۲۲، و در میان زنان شاغل برابر ۲۴/۳۰ است؛ بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که میزان اختلاف زناشویی در میان زنان خانه‌دار، در رابطه با این متغیر، بیشتر از زنان شاغل است، که البته تفاوت آن قابل‌توجه نیست.

جدول ۵- آماره‌های توصیفی مربوط به نمره‌های اختلاف زناشویی و مدت زناشویی

گروه	مدت زناشویی	تعداد	اختلاف زناشویی	
			میانگین	انحراف معیار
خانه‌دار	۱ تا ۱۰ سال	۷۴	۲۳/۹۳	۷/۴۴۲
	۱۱ تا ۲۰ سال	۴۷	۲۳/۷۷	۸/۲۵۲
	۲۱ سال و بیشتر	۲۱	۲۴/۹۶	۷/۶۰۵
	کل	۱۴۲	۲۴/۲۲	۶/۶۷۱
شاغل	۱ تا ۱۰ سال	۷۲	۲۳/۰۸	۵/۴۷۵
	۱۱ تا ۲۰ سال	۴۴	۲۴/۸۶	۶/۵۱۹
	۲۱ سال و بیشتر	۲۶	۲۴/۶۹	۶/۷۰۴
	کل	۱۴۲	۲۴/۳۰	۷/۲۴۵
کل	۱ تا ۱۰ سال	۱۴۶	۲۳/۵۰	۶/۵۴۴
	۱۱ تا ۲۰ سال	۹۱	۲۴/۳۰	۷/۴۴۴
	۲۱ سال و بیشتر	۴۷	۲۴/۸۲	۷/۰۶۵
	کل	۲۸۴	۲۴/۲۰	۸/۸۶۵

میانگین اختلاف زناشویی در میان زنان خانه‌داری که یک تا ۱۰ سال از ازدواج آن‌ها می‌گذرد برابر با ۲۳/۹۳، زنانی که ۱۱ تا ۲۰ سال از ازدواج آن‌ها می‌گذرد ۲۳/۷۷، و زنانی که ۲۱ سال به بالا از ازدواج آن‌ها می‌گذرد ۲۴/۹۶ است، اما این میانگین در بین زنان شاغل، به ترتیب، ۲۳/۰۸ برای مدت زناشویی یک تا ۱۰ سال، ۲۴/۸۶ برای مدت زناشویی ۱۱ تا ۲۰ سال، و ۲۴/۶۹ برای مدت زناشویی ۲۱ سال به دست آمده است؛ بنا بر این، با توجه به مقایسه‌ی میانگین‌ها، به نظر می‌رسد که اختلاف زناشویی در میان زنان خانه‌داری که ۲۱ سال به بالا از مدت ازدواج آن‌ها می‌گذرد بیشتر است، ولی در میان زنان شاغل، آزمودنی‌هایی که ۱۱ تا ۲۰ سال از ازدواج آن‌ها می‌گذرد اختلاف زناشویی بیشتری، نسبت به دیگران، دارند. اختلاف این میانگین‌ها قابل توجه نیست.

میانگین کل به دست آمده برای اختلاف زناشویی، در رابطه با مدت ازدواج، نشان می‌دهد که آزمودنی‌هایی که ۲۱ سال به بالا از سن ازدواج آن‌ها می‌گذرد، اختلاف زناشویی بیشتری نسبت به دیگر گروه‌ها دارند.

همان گونه که در جدول ۶ دیده می‌شود، میانگین اختلاف زناشویی، در رابطه با این متغیر، در میان زنان خانه‌دار برابر با ۲۳/۸۷، و در میان زنان شاغل ۲۴/۰۵ است؛ بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که میزان اختلاف زناشویی در میان زنان شاغل، در رابطه با این متغیر، بیشتر از زنان خانه‌دار است، که البته این تفاوت قابل توجه نیست.

جدول ۶- آماره‌های توصیفی مربوط به نمره‌های اختلاف زناشویی و تفاوت سنی با همسر

گروه	تفاوت سنی یا همسر	تعداد	اختلاف زناشویی میانگین	انحراف معیار
خانه‌دار	۰ تا ۵ سال	۷۹	۲۴/۶۲	۸/۲۴۵
	۶ تا ۱۰ سال	۵۷	۲۳/۸۴	۷/۲۳۰
	۱۱ سال و بیشتر	۶	۲۳/۱۷	۴/۴۰۱
	کل	۱۴۲	۲۳/۸۷	۷/۸۷۱
شاغل	۰ تا ۵ سال	۹۴	۲۳/۴۰	۶/۰۱۷
	۶ تا ۱۰ سال	۴۶	۲۴/۴۶	۶/۰۶۹
	۱۱ سال و بالاتر	۲	۲۴/۳۰	۸/۴۸۵
	کل	۱۴۲	۲۴/۰۵	۷/۹۶۵
کل	۰ تا ۵ سال	۱۷۳	۲۴/۰۱	۷/۱۲۵
	۶ تا ۱۰ سال	۱۰۳	۲۴/۱۵	۶/۷۱۲
	۱۱ سال و بیشتر	۸	۲۳/۷۳	۶/۳۹۱
	کل	۲۸۴	۲۳/۹۶	۷/۱۶۵



در بین زنان خانه‌دار، میانگین اختلاف زناشویی در میان همسرانی که ۵ سال با هم تفاوت سنی دارند ۲۴/۶۲، همسرانی که شش تا ۱۰ سال با هم اختلاف سنی دارند ۲۳/۸۴، و همسرانی که ۱۱ سال و بیشتر با هم اختلاف سنی دارند ۲۳/۱۷ است. در بین زنان شاغل، اختلاف زناشویی میان همسرانی که ۵ سال تفاوت سنی دارند ۲۳/۴۰، همسرانی که شش تا ۱۰ سال با هم تفاوت سنی دارند ۲۴/۴۶، و همسرانی که ۱۱ سال به بالا تفاوت سنی دارند ۲۴/۳۰ است؛ بدین ترتیب، در رابطه با این متغیر، تفاوتی قابل‌توجه در میان گروه‌ها وجود ندارد.

میانگین کل به‌دست‌آمده برای اختلاف زناشویی، در رابطه با تفاوت سنی با همسر، نشان می‌دهد که آزمودنی‌هایی که ۶ تا ۱۰ سال با هم تفاوت سنی دارند، نسبت به دیگر گروه‌ها، اختلاف زناشویی بیش‌تری دارند.

آزمون فرضیه‌ها

در این پژوهش، برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شده است. همان‌گونه که در جدول ۷ دیده می‌شود، با توجه به کوچک‌تر از ۵ درصد بودن معناداری برای متغیر گروه‌ها (زنان شاغل و خانه‌دار)، میان آزمودنی‌های شاغل و خانه‌دار، از نظر میزان اختلاف زناشویی، تفاوت وجود دارد و مقایسه‌ی میانگین‌ها در جدول ۱ نیز بیان‌گر همین مسئله است.

جدول ۷- آزمون تحلیل واریانس دوطرفه، برای مقایسه‌ی اختلاف زناشویی زنان با اعتقادات مذهبی متفاوت همسران

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معناداری
گروه (زنان شاغل و خانه‌دار)	۷۸,۷۹۳	۱	۷۸,۷۹۳	۱,۶۶۸	۰/۰۳۸
تفاوت در اعتقادات مذهبی (زیاد، کم)	۲۴۶/۱۵۲	۱	۲۴۶,۱۵۲	۵,۲۱۱	۰/۰۲۳
گروه + تفاوت در اعتقادات مذهبی	۱۸۸,۳۴۶	۱	۱۸۸,۳۴۶	۳,۹۸۸	۰/۰۴۷
خطا	۱۳۲۲۶,۸۵۷	۲۸۰	۴۷,۲۳۹		
کل	۱۷۷۲۰۲,۰۰۰	۲۸۴			

با توجه به این که معناداری متغیر تفاوت در اعتقادات مذهبی همسران، از ۵ درصد کوچک‌تر است، میان آزمودنی‌هایی که با همسران‌شان اختلاف اعتقادات مذهبی کم دارند و آن‌هایی که اختلاف اعتقادات مذهبی زیاد دارند، از نظر میزان اختلاف زناشویی، تفاوتی معنادار وجود دارد، که با توجه به میانگین‌های به‌دست‌آمده در جدول ۱، این تفاوت در میان زنان شاغل با اختلاف اعتقادات مذهبی زیاد با شوهر خود، بیش از زنان خانه‌دار است.

با توجه به کوچک‌تر از ۵ درصد بودن معناداری برهم‌کنش گروه‌ها و اختلاف اعتقادات مذهبی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که میان تأثیر اختلاف اعتقادات مذهبی همسران بر اختلاف زناشویی، تفاوتی معنادار در میان آزمودنی‌های شاغل و خانه‌دار وجود دارد و این مسئله در زنان شاغل، به گونه‌ی معنادار، بیش‌تر از زنان خانه‌دار است. بر پایه‌ی آنچه گفته‌شد، مقایسه‌ی میانگین‌های به‌دست‌آمده و نتایج تحلیل واریانس، فرضیه‌ی اول پژوهش را تأیید می‌کند.

همان‌گونه که در **جدول ۸** دیده‌می‌شود، با توجه به بزرگ‌تر از ۵ درصد بودن معناداری متغیر گروه‌ها (زنان شاغل و خانه‌دار)، میان آزمودنی‌های خانه‌دار و شاغل، از نظر میزان اختلاف زناشویی در رابطه با این متغیر، تفاوتی معنادار وجود ندارد و با توجه به میانگین‌های به‌دست‌آمده در **جدول ۲**، تفاوت چندانی در میانگین‌های دو گروه دیده‌نمی‌شود.

جدول ۸- آزمون تحلیل واریانس دوطرفه، برای مقایسه‌ی اختلاف زناشویی زنان با سنتی بودن خانواده

منابع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجموع مجزورات	F	سطح معناداری
گروه (زنان شاغل و خانه‌دار)	۱۹,۰۹۳	۱	۱۹,۰۹۳	۰,۴۰۴	۰,۵۲۵
سنتی بودن خانواده	۱۷۰,۷۶۱	۱	۱۷۰,۷۶۱	۳,۶۱۵	۰,۰۴۸
گروه + سنتی بودن خانواده	۲۰۵,۰۶۵	۱	۲۰۵,۰۶۵	۴,۳۴۱	۰,۰۲۸
خطا	۱۳۳۲۷,۳۱۴	۲۸۰	۴۷,۲۴۰		
کل	۱۷۷۲۰۲,۰۰۰	۲۸۴			

معناداری متغیر سنتی بودن خانواده، کوچک‌تر از ۵ درصد است؛ بنا بر این، میان آزمودنی‌هایی که دارای خانواده‌ی سنتی‌اند و آن‌هایی که خانواده‌ی غیرسنتی دارند، از نظر میزان اختلاف زناشویی، تفاوت وجود دارد. با توجه به میانگین‌های به‌دست‌آمده در **جدول ۲**، مشخص می‌شود که آزمودنی‌های خانه‌داری که دارای خانواده‌ی سنتی‌اند، اختلاف زناشویی بیش‌تری، نسبت به آزمودنی‌هایی که دارای خانواده‌ی غیرسنتی‌اند، دارند.

با توجه به کوچک‌تر از ۵ درصد بودن معناداری برهم‌کنش گروه‌ها و سنتی بودن خانواده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که فرضیه‌ی صفر رد می‌شود؛ یعنی می‌توان گفت شدت اختلاف زناشویی آزمودنی‌هایی که خانه‌دار و دارای خانواده سنتی‌اند، از آزمودنی‌هایی که شاغل و دارای خانواده غیرسنتی‌اند، به گونه‌ی معنادار، بیش‌تر است و میانگین‌های به‌دست‌آمده در **جدول ۲** نیز این مورد را تأیید می‌کند.

بر پایه‌ی آنچه گفته‌شد، مقایسه‌ی میانگین‌ها و نتایج آزمون، فرضیه‌ی دوم را تأیید می‌کند.



در باره‌ی خرده‌مقیاس‌های سنتی بودن خانواده، همان گونه که در جدول ۹ دیده می‌شود، با توجه به بزرگ‌تر از ۵ درصد بودن معناداری برای متغیر گروه‌ها (زنان شاغل و خانه‌دار)، هم در بعد اجبار به ازدواج و هم محدودیت در دوره‌ی نامزدی، میان دو گروه آزمودنی‌های شاغل و خانه‌دار تفاوتی معنادار وجود ندارد و مقایسه‌ی میانگین‌ها در جدول ۳ نیز همین امر را نشان می‌دهد.

جدول ۹- آزمون تحلیل واریانس دوطرفه برای مقایسه‌ی اختلاف زناشویی زنان، با خرده‌مقیاس‌های سنتی بودن خانواده

منابع تغییرات	اجبار به ازدواج		محدودیت در دوره‌ی نامزدی	
	معناداری	F	معناداری	F
گروه (زنان شاغل و خانه‌دار)	۰/۱۱۶	۱/۶۰۹	۰/۹۰۵	۰/۴۵۹
سنتی بودن خانواده	۰/۰۲۹	۲/۱۹۲	۴/۲۸۲	۰/۰۳۱
برهم‌کنش گروه + سنتی بودن خانواده	۰/۰۴۱	۴/۷۲۰	۱/۱۲۹	۰/۰۳۵

با توجه به این که معناداری متغیر سنتی بودن خانواده، هم در بعد اجبار به ازدواج و هم در بعد محدودیت در دوره‌ی نامزدی، کوچک‌تر از ۵ درصد است، میان آزمودنی‌هایی که با اجبار ازدواج کرده‌اند و در دوره‌ی نامزدی و آشنایی با همسرشان، محدودیت داشته‌اند و آزمودنی‌هایی که چنین نبوده‌اند، از نظر اختلاف زناشویی تفاوت وجود دارد. میانگین‌های به‌دست‌آمده در جدول ۳ مشخص می‌کند که آزمودنی‌هایی که به اجبار ازدواج کرده‌اند و در دوره‌ی نامزدی محدودیت داشته‌اند، دارای اختلاف زناشویی بیش‌تری، نسبت به آزمودنی‌های دیگر اند.

با توجه به کوچک‌تر از ۵ درصد بودن معناداری برهم‌کنش گروه‌ها و سنتی بودن خانواده در ابعاد گفته‌شده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اختلاف زناشویی آزمودنی‌های خانه‌دار، که به اجبار ازدواج کرده‌اند و در دوره‌ی نامزدی محدودیت داشته‌اند، نسبت به آزمودنی‌های شاغل، بیش‌تر است و مقایسه‌ی میانگین‌ها نیز همین امر را نشان می‌دهد.

بر پایه‌ی جدول ۱۰، بزرگ‌تر از ۵ درصد بودن معناداری متغیر سن ازدواج (در رابطه با متغیر گروه‌ها) نشان می‌دهد که میان آزمودنی‌های شاغل و خانه‌دار، از نظر اختلاف زناشویی در رابطه با این متغیر، تفاوتی معنادار وجود ندارد و میانگین‌های گفته‌شده در جدول ۴ نیز بر همین امر تأکید دارند.

به دلیل بزرگ‌تر از ۵ درصد بودن معناداری متغیر سن ازدواج، میان آزمودنی‌هایی که در سن ۱۴ تا ۲۰ سالگی، ۲۱ تا ۲۷ سالگی، و ۲۸ سالگی به بالا ازدواج کرده‌اند، از نظر اختلاف زناشویی، تفاوتی معنادار وجود ندارد.

جدول ۱۰- آزمون تحلیل واریانس دوطرفه، برای مقایسه‌ی اختلاف زناشویی زنان با سن ازدواج

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معناداری
گروه (زنان شاغل و خانه‌دار)	۰/۶۷۸	۱	۰/۶۷۸	۰/۰۱۴	۰/۹۰۶
سن ازدواج (۱۴-۲۰؛ ۲۱-۲۷؛ ۲۸-)	۸۸/۶۳۷	۲	۴۴/۳۱۸	۰/۹۱۱	۰/۴۰۳
گروه + سن ازدواج	۱۵/۱۴۸	۲	۷/۵۷۴	۰/۱۵۶	۰/۸۵۶
خطا	۱۳۵۱۸/۲۶۰	۲۷۸	۴۸/۶۲۷		
کل	۱۷۷۷۲۰۲/۰۰۰	۲۸۴			

با توجه به بزرگ‌تر از ۵درصد بودن معناداری برهم‌کنش گروه‌ها و سن ازدواج، می‌توان چنین نتیجه گرفت که فرضیه‌ی صفر رد می‌شود و میان سن ازدواج و تأثیر آن بر اختلاف زناشویی، میان آزمودنی‌های شاغل و خانه‌دار، تفاوتی معنادار وجود ندارد. با توجه به مقایسه‌ی میانگین‌ها و با توجه به نتایج آزمون، این فرضیه تأیید نمی‌شود. همان گونه که در جدول ۱۱ دیده می‌شود، با توجه به بزرگ‌تر از ۵درصد بودن معناداری متغیر گروه‌ها، میان آزمودنی‌های شاغل و خانه‌دار، از لحاظ اختلاف زناشویی در رابطه با این متغیر، تفاوتی معنادار وجود ندارد و از مقایسه‌ی میانگین‌ها در جدول ۵ نیز همین امر تأیید می‌شود.

جدول ۱۱- آزمون تحلیل واریانس دوطرفه، برای مقایسه‌ی اختلاف زناشویی زنان با مدت زناشویی

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معناداری
گروه (زنان شاغل و خانه‌دار)	۷/۶۳۹	۱	۷/۶۳۹	۰/۱۵۸	۰/۶۹۱
مدت زناشویی (۱-۱۰؛ ۱۱-۲۰؛ ۲۱-)	۱۳۳/۹۹۸	۲	۶۶/۹۹۹	۱/۳۸۹	۰/۲۵۱
گروه + مدت زناشویی	۷۲/۱۷۱	۲	۳۶/۰۸۶	۰/۷۴۸	۰/۴۷۴
خطا	۱۳۴۱۰/۶۹۹	۲۷۸	۴۸۷/۲۴۰		
کل	۱۷۷۷۲۰۲/۰۰۰	۲۸۴			

بزرگ‌تر از ۵درصد بودن معناداری متغیر مدت زناشویی (مدت ازدواج) نشان می‌دهد که میان آزمودنی‌هایی که ۱ تا ۱۰ سال، ۱۱ تا ۲۰ سال، و ۲۰ سال به بالا از مدت ازدواج آن‌ها می‌گذرد، از نظر میزان اختلاف زناشویی، تفاوتی معنادار وجود ندارد. بزرگ‌تر از ۵درصد بودن معناداری برهم‌کنش میان گروه‌ها و مدت زناشویی نشان می‌دهد که میان مدت زمان زناشویی و تأثیر آن بر اختلاف زناشویی در میان زنان شاغل و خانه‌دار تفاوتی معنادار وجود ندارد. با توجه به مقایسه‌ی میانگین‌ها و با توجه به نتایج آزمون، این فرضیه تأیید نمی‌شود.



هم‌چنان که در جدول ۱۲ دیده می‌شود، بزرگ‌تر از ۵ درصد بودن معناداری متغیر گروه‌ها نشان می‌دهد میان آزمودنی‌های شاغل و خانه‌دار، از نظر اختلاف زناشویی در رابطه با این متغیر، تفاوتی معنادار وجود ندارد و میانگین‌های گفته‌شده در جدول ۶ نیز همین امر را نشان می‌دهد.

جدول ۱۲- آزمون تحلیل واریانس دوطرفه، برای مقایسه‌ی اختلاف زناشویی زنان با تفاوت سنی همسران

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معناداری
گروه (زنان شاغل و خانه‌دار)	۹۲/۹۲۰	۱	۹۲/۹۲۰	۱/۹۲۴	۰/۱۶۶
تفاوت سنی (۰-۵؛ ۶-۱۰؛ ۱۱-)	۱۴/۷۶۷	۲	۷/۳۸۳	۰/۱۵۳	۰/۸۵۸
گروه + تفاوت سنی	۱۸۲/۳۵۰	۲	۹۱/۱۷۵	۱/۸۸۸	۰/۱۵۳
خطا	۱۳۴۲۳/۰۷۱	۲۷۸	۴۸/۲۸۴		
کل	۱۷۷۲۰/۰۰۰	۲۸۴			

بزرگ‌تر از ۵ درصد بودن معناداری متغیر اختلاف سنی با همسر نشان می‌دهد میان آزمودنی‌هایی که با همسرشان ۵ سال، ۶ تا ۱۰ سال، و ۱۱ سال به بالا تفاوت سنی دارند، از نظر اختلاف زناشویی، تفاوتی معنادار دیده نمی‌شود و مقایسه‌ی میانگین‌ها نیز نشان‌دهنده‌ی این امر است؛ بدین ترتیب، با توجه به بزرگ‌تر از ۵ درصد بودن معناداری برهم‌کنش گروه‌ها و متغیر تفاوت سنی با همسر، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در مورد تفاوت سنی با همسر و تأثیر آن بر اختلاف زناشویی، در میان آزمودنی‌های شاغل و خانه‌دار، تفاوتی معنادار وجود ندارد.

با توجه به مقایسه‌ی میانگین‌ها و با توجه به نتایج آزمون، این فرضیه تأیید نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی عوامل فرهنگی مؤثر (ناهم‌سانی مذهبی همسران و سنتی بودن خانواده) بر میزان اختلافات زناشویی در میان دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار است. روی‌کردهای نظری متفاوتی درباره‌ی اختلاف زناشویی و عوامل پدیدآورنده‌ی آن وجود دارد، که در این پژوهش، نظریه‌ی هم‌سان‌همسری، به عنوان چهارچوب نظری، مورد استفاده قرار گرفت. بر پایه‌ی این نظریه، افراد در هنگام ازدواج، فرد هم‌سان را انتخاب می‌کنند و هرچه هم‌سانی میان همسران در زمینه‌های مختلف کم‌تر باشد، اختلافات آن‌ها بیش‌تر خواهد شد.

جامعه‌ی آماری پژوهش را زنان همسر دار شاغل و خانه‌دار شهر تبریز تشکیل می‌دهند، که برای انتخاب زنان شاغل از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و برای انتخاب زنان خانه‌دار از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌یی استفاده شد و در نهایت، ۲۸۴ نفر به عنوان نمونه‌ی پژوهش انتخاب شدند. داده‌های پژوهش نیز با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شده‌است.

نتایج پژوهش نشان داد که در بین دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار، میان ناهم‌سانی در اعتقادات مذهبی همسران و اختلاف زناشویی رابطه‌یی معنادار وجود دارد و اختلاف زناشویی در میان زنانی که با همسران‌شان اختلاف اعتقادی زیاد دارند، بیش‌تر از آن‌هایی است که با همسران‌شان اختلاف اعتقادی کم‌تری دارند؛ هم‌چنین، تأثیر اختلاف اعتقادی مذهبی همسران در ایجاد اختلاف زناشویی میان آزمودنی‌های شاغل بیش از خانه‌دار است؛ بر این اساس، فرضیه‌ی اول تأیید شد. این نتیجه با نتایج پژوهش سولویان (۲۰۰۱) و خدایاری فرد، شهابی، و اکبری زردخانه (۱۳۸۶) هم‌سو است و آنان نیز به این نتیجه رسیده‌اند که میان نگرش مذهبی همسران و اختلاف یا خوشنودی زناشویی، رابطه‌یی مثبت و معنادار وجود دارد.

بررسی تأثیر سنتی بودن خانواده در حوزه‌ی انتخاب همسر و اختلاف زناشویی در میان دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار نشان داد که میان سنتی بودن خانواده در حوزه‌ی انتخاب همسر و اختلاف زناشویی، تفاوتی معنادار وجود دارد؛ به گونه‌یی که می‌توان گفت اختلاف زناشویی در میان آزمودنی‌های خانه‌دار و دارای خانواده‌ی سنتی، به گونه‌یی معنادار، بیش‌تر از آزمودنی‌های شاغل و دارای خانواده‌ی غیرسنتی است.

نتایج فرضیه‌های زمینه‌یی، با سه متغیر (سن ازدواج، مدت زناشویی، و تفاوت سنی با همسر)، نشان داد که در مورد سن ازدواج، مدت زناشویی، و تفاوت سنی با همسر، تفاوتی معنادار میان این متغیرها و میزان اختلاف زناشویی وجود ندارد؛ هم‌چنین، درباره‌ی این متغیرها و تأثیر آن‌ها در ایجاد اختلاف زناشویی در میان زنان شاغل و خانه‌دار تفاوتی معنادار دیده‌نشد؛ یعنی در هیچ یک از گروه‌ها، تفاوت سنی با همسر، سن ازدواج، و مدت زناشویی در ایجاد اختلاف میان همسران تأثیر نداشته‌است.

به نظر می‌رسد که نتایج پژوهش، با تأیید نظریه‌ی هم‌سان‌همسری، نشان داد همسرانی که از نظر اعتقادات مذهبی با هم تفاوت دارند، اختلاف زناشویی بیش‌تری پیدا خواهند کرد؛ بنا بر این، پیش از ازدواج باید اصل هم‌سان‌همسری، به‌ویژه در مورد هم‌سانی اعتقادات مذهبی میان همسران، رعایت شود.



در مورد سنتی بودن خانواده نیز مشخص شد که هرچه خانواده در حوزه‌ی انتخاب همسر، سنتی‌تر عمل کند، اختلاف زناشویی میان همسران بیشتر می‌شود. امروز با نوسازی و مدرن شدن جوامع، دگرگونی‌هایی در الگوی ازدواج و زندگی خانوادگی پدید آمده‌است و افکار سنتی درباره‌ی ازدواج، در جامعه‌ی ما، که یک جامعه‌ی در حال گذر به شمار می‌آید، چندان مورد پسند قرار نمی‌گیرد و جوانان، نسبت به گذشته، خواهان آزادی بیشتری در انتخاب همسر اند. اگر در این زمینه، آزادی کافی به جوانان داده نشود و افراد با اجبار ازدواج کنند و یا در دوره‌ی نامزدی با محدودیت خانواده‌ها روبه‌رو شوند، احتمالاً در آینده شاهد افزایش اختلاف میان همسران و در نهایت طلاق خواهیم‌بود؛ هم‌چنین، اگر یکی از خانواده‌های همسران (به‌ویژه خانواده‌ی دختر)، در زمینه‌ی انتخاب همسر، از باورهای سنتی پیروی کند و با ایجاد محدودیت در دوره‌ی نامزدی، به فرزند خود آزادی کامل را در این زمینه ندهد، احتمالاً در آینده‌ی زناشویی همسران مشکلاتی ایجاد خواهدشد.

نتایج پژوهش نشان داد که زنان خانه‌دار دارای خانواده‌ی سنتی، بیشتر دچار اختلاف زناشویی می‌شوند و دلیل آن را شاید بتوان چنین بیان کرد که زنان شاغل، به دلیل اشتغال و احتمالاً داشتن تحصیلات بالا، آزادی بیشتری را در دوران نامزدی و انتخاب همسر تجربه می‌کنند.

منابع

- بستان نجفی، حسین. ۱۳۸۳. *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*. قم: پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه. حسین‌ی بیرجندی، مهدی. ۱۳۷۵. *مشاوره در آستانه‌ی ازدواج*. تهران: آوای نور.
- خدایاری فرد، محمد، روح‌الله شهابی، و سعید اکبری زردخانه. ۱۳۸۶. «بررسی رابطه‌ی نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه تهران». *خانواده‌پژوهی* ۳(۱۰): ۶۱۱-۶۲۰.
- زرگر، فاطمه، و حمیدطاهر تشاددوست. ۱۳۸۶. «بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان». *خانواده‌پژوهی* ۳(۱۱): ۷۳۷-۷۴۹.
- ساروخانی، باقر. ۱۳۸۴. *مقدمه‌یی بر جامعه‌شناسی خانواده*. چاپ ۷. تهران: سروش.
- سازمان ثبت احوال کشور. بی‌تا. «طلاق ثبت‌شده به تفکیک استان». برگرفته در ۱۷ اردی‌بهشت ۱۳۸۸ (www.sabteahval.ir/default.aspx?tabid=860).
- _____. ۱۳۸۸. «خلاصه‌ی آمار ثبت وقایع حیاتی سال ۱۳۸۷».

- سامانی، سیامک. ۱۳۸۶. «بررسی عمده‌ترین عوامل ایجادکننده‌ی درگیری‌های زناشویی در گروهی از دانشجویان متأهل دانشگاه شیراز.» *خانواده‌پژوهی* ۳(۱۱):۶۵۷-۶۶۸.
- ساعی ارسی، ایرج. ۱۳۸۲. *درآمدی بر جامعه‌شناسی و آسیب‌شناسی خانواده‌ی نابه‌سامان*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی ابهر.
- سگالن، مارتین. ۱۳۸۰. *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*. برگردان حمید الیاسی. چاپ ۳. تهران: نشر مرکز.
- فتاحی، مریم. ۱۳۸۲. «بررسی علل مشاجرات زناشویی در کیس‌های ارجاع‌شده به دادگاه خانواده‌ی شهر کرمانشاه.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی مشاوره، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران.
- مهدوی، محمدصادق. ۱۳۷۷. *بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- نادر، پریسا. ۱۳۸۴. «بررسی علل ناسازگاری زوجین در میان خانواده‌ی زن شاغل و زن خانه‌دار در شرکت آب و فاضلاب شهر کرمان در سال ۱۳۸۴.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن.
- Booth, Alan, and John N. Edwards. 1985. "Age at Marriage and Marital Instability." *Journal of Marriage and the Family* 47(1):67-75.
- Burgess, Ernest W., and Paul Wallin. 1953. *Engagement and Marriage*. New York, NY, USA: J. B. Lippincott Co.
- Cohen, Orna, and Rivka Savaya. 2003. "Reasons for Divorce among Muslim Arabs in Israel." *European Societies* 5(3):300-325.
- Fokkema, Tineke, and Aart C. Liefbroer. 2004. "Employment and Divorce among Dutch Women born between 1903 and 1937." *The History of the Family* 9(4):425-442.
- Lambert, Nathaniel M., and David C. Dollahite. 2006. "How Religiosity Helps Couples Prevent, Resolve, and Overcome Marital Conflict." *Family Relations* 55(4):439-449.
- Sullivan, Kieran T. 2001. "Understanding the Relationship between Religiosity and Marriage: An Investigation of the Immediate and Longitudinal Effects of Religiosity on Newlywed Couples." *Journal of Family Psychology* 15(4):610-626.
- Pruchno, Rachel, Christopher Burant, and Norah D. Peters. 1994. "Family Mental Health: Marital and Parent-child Consensus as Predictors." *Journal of Marriage and Family* 56(3):747-758.
- Whitson, Stephanie, and Mona El-Sheikh. 2003. "Marital Conflict and Health: Processes and Protective Factors." *Aggression and Violent Behavior* 8(3):283-312.



نویسندگان

دکتر خدیجه سفیری،

استاد دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا
m@safiri.ir

دانش‌آموخته‌ی دکترای جامعه‌شناسی، ۱۳۷۳، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

مدیر گروه مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا.

وی نخستین زن دارنده‌ی رتبه‌ی استادی جامعه‌شناسی در ایران است. پژوهش‌های او در زمینه‌ی خانواده و زنان بوده و از وی کتاب‌های *جامعه‌شناسی اشتغال زنان*، *جامعه‌شناسی جنسیت*، و *روش تحقیق کیفی*، و همچنین، بیش از ۲۵ مقاله در نشریات علمی-پژوهشی چاپ شده‌است.

وی پیش از این مدیر گروه علوم اجتماعی، رئیس دانشکده‌ی علوم اجتماعی، و معاون آموزشی دانشگاه الزهرا بوده‌است.

وی عضو هیئت تحریریه‌ی فصل‌نامه‌ی *مطالعات اجتماعی ایران* و فصل‌نامه‌ی *پژوهش زنان* است و سردبیری فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی *مطالعات زنان* را نیز از آغاز تا کنون بر عهده داشته‌است.

معصومه محرمی،

کارشناس ارشد مطالعات زنان
masom171@yahoo.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی